

خودیابی و جاودانگی

»

پیشنی معنوی

www.ketab.ir

یدالله اسداللهی

سرشناسه: اسداللهی، یدالله

عنوان و نام پدیدآور: خودیابی و جاودانگی در مثنوی معنوی / یدالله اسداللهی

مشخصات نشر: قم: خویی، ۱۳۹۱.

مشخصات ظاهری: ۲۲۸ ص.

ISBN: 918 - 600 - 91815 - 8 - 2

وضعیت فهرست‌نویسی: فیا

یادداشت: کتابنامه، ص. [۲۲۷] - ۲۲۸؛ همچنین به صورت زیرنویس

موضوع: مولوی، جلال‌الدین محمد بن محمد، ۶۰۴-۶۷۲ ق. مثنوی - نقد و تفسیر

موضوع: شعر فارسی - قرن ۷ ق. - تاریخ و نقد

موضوع: جاودانگی در ادبیات

موضوع: خودشناسی در ادبیات

رده‌بندی کنگره: ۹ خ ۵ الف / ۱۰۱ - ۲۵۱

رده دیویی: ۱/۳۱ فا ۸

نام کتاب: خودیابی و جاودانگی در مثنوی معنوی

مؤلف: یدالله اسداللهی

ناشر: خویی

صفحه‌آرا: علی اکبری

طراح جلد: سیدعلی موسوی‌کیا

چاپ: گلوردی

نوبت چاپ: اول، ۱۳۹۱

شمارگان: ۵۰۰ نسخه



آدرس: قم خیابان توحید، کوچه ۱۵، پلاک ۲۴

تلف: ۰۹۱۲۷۵۲۵۵۲۵ - ۰۲۵۱ ۸۸۰۴۸۲۹

فهرست مطالب

۹		پیشگفتار
۱۳		مقدمه
۳۳		دفتر اول
۴۲		داستان طوطی و بازگاز
۶۹		دفتر دوم
۷۲		داستان موسی و شبان
۱۰۳		دفتر سوم
۱۰۷		داستان عشق نامه خواندن عاشق نزد معشوق
۱۱۹		دفتر چهارم
۱۲۳		تفسیر حدیث نبوی از دفتر چهارم
۱۳۹		داستان مورو قلم
۱۵۱		دفتر پنجم
۱۵۵		داستان ایاز و حجره داشتن او
۱۸۹		دفتر ششم
۱۹۴		داستان مطرب و امیر ترک
۲۲۷		فهرست منابع و مآخذ

پیشگفتار

سپاس خدای را که گویندگان درستودن وی درمانند و آمارگران در شمارش نعمت‌های او ناتوان مانند و تلاشگران ادای حق وی نتوانند، همان کس که نه بلندای همت‌ها به او درسد و نه ژرفای فطنت‌ها وی را دریابد آن کس که نه صفتش را مرزی محدود است و نه وی را نعتی موجد در نه وقتی در خور شمارش، همان کس که به توانایی خود، آفریدگان را پدید آورد، به رحمت خویش بادها را بگسترده و با سنگ‌های گران، لرزه زمین را به مهار کشید.

سراغاز دین، شناخت اوست و کمال شناختش در تصدیق اوست و کمال تصدیق به وی توحید اوست و کمال توحیدش در اخلاص ورزیدن است به او، و کمال اخلاص ورزیدن به او، و دادن صفت‌ها از وی، چرا که هر صفت غیر از موصوف است و هر موصوف غیر از صفت.^۱

با توجه به تعبیری که حضرت علی ابن ابیطالب علیه السلام در مورد خداوند و صفات او فرموده‌اند می‌توان گفت در باطن کلام ایشان نسبت به ذات و صفات حضرت باری و آفریدگانش جلوه و ذی جلوه نهفته است. همان سخنی که عارفان به حضرتش از مکتب عرفان او آموخته‌اند که شایسته‌ترین و لطیف‌ترین سخن نسبت به ذات و صفات حضرت حق است.

۱. نهج البلاغه، ترجمه فولادوند، خطبه ۱، ص ۱۹.

زیرا در خطبه ۱۰۷ نهج البلاغه حضرت فرموده است:

سپاس خدایی را که با خلقت و آفرینش خود بر مخلوقاتش تجلی کرده است.

و در خطبه ۱۴۷ می‌فرماید:

پس خدای سبحان بر بندگان در قرآن کریم بدون آنکه او را ببینند تجلی کرده است، آن خداوند سبحانی که از میان فرزندان آدم، پیغمبران برگزید و از ایشان به زبان وحی پیمان گرفت در زمانی که پیش از آفریدگان، پیمان خدا را وارونه و به حق او نادان بودند و برای وی مانند هر گرفته بودند، شیاطین راه آنها را از خداشناسی زده بودند و به گمراهی کشیدند. پس پیمان خود را برانگیخت و یکی پس از دیگری فرستاد تا عهد خداشناسی را که در فطرت آدمی بود بازطلب کنند و نعمت از یاد رفته را باز به یاد آورند و با مدد حجت و برهان، آنان را به راه آورند و گنجینه‌های دانش پنهانی را برین آورند و راز هستی را در دیدگان‌شان بنمایند.^۱

آری، هدف از ارسال رسل و انزال کتب، چیزی جز حفظ کرامت انسانی و شکوفا کردن سرمایه‌های علمی و معنوی و استعدادها و قابلیت‌هایی که پروردگار عالم در سرشت انسان نهاده نمی‌باشد. خداوند در قرآن کریم مرتبه و مقام انسان را از فرشتگان بالاتر دانسته و او را خلیفه خود نامیده، یعنی استعداد رسیدن به چنین موقعیتی را برای او قایل شده است، لذا به او سفارش می‌کند که مواظب خود باش که با مواظبت از خود، می‌توانی از مرتبه نفس اماره که چیزی جز حیوانیت نصیب تو نخواهد کرد به تبع پیروی از انبیا و اطاعت او بندگی، خود را به مقام والای نفس مطمئنه برسانی. احراز چنین مقامی صرفاً با احیای عقل و اماته نفس اماره، امکان‌پذیر خواهد بود. این

کلام نورانی علی ابن ابیطالب علیه السلام است که در اوصاف سالکان راه حق فرموده است. سالک برای رسیدن به مقام قرب حق و داشتن خلوت انسی با حضرتش، سیر و سلوک خود را این گونه آغاز می‌کند.

عقل خود را به وسیله کمالات عقلیه از علوم و اخلاق، احیا کرده و نفس اماره خود را میرانده تا اینکه ظاهرش لاغر و خشونتش نرم گشته است، آنگاه برای او درخشنده‌ای پرنور درخشید که راه را برای او روشن کرده و سببی برای سلوک او در راه خدا شده است، پس درها یکی پس از دیگری تا رسیدن به باب سلامت و جایگاه اقامت برای او گشوده شد. و با طمأنینه و قدمی استوار در آن جایگاه امن و راحت قرار گرفته است زیرا که خود را به کار گرفته و پروردگارش را راضی و خشنود گردانیده است.

به کار گرفتن دل، یعنی دور نگاه داشتن آن از دار غرور و فارغ کردنش از توجه به غیر حق و سیر دادن آن به عالم معنا و انس با پروردگار احیای عقل و اماتة نفس همان سخنی است که بزرگان هم گفته‌اند که با الهام باید مرد تا به طبیعت خود زنده شد و پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله فرموده است:

مَوْتُوا قَبْلَ أَنْ تَمُوتُوا؛^۱

بمیرید قبل از مردنتان.

یعنی قبل از این که مرگ، موجب قطع تعلقات غفلت‌آفرین شود و بیداری توأم با وحشت پدید آید، با مرگ ارادی ریشه همه تعلقات را بسوزانیم. مولانا در همه قسمت‌های مثنوی معنوی تنها راه رسیدن به کمال و شکوفا شدن ارزش‌های متعالی انسانیت را مرگ ارادی می‌داند که با عشق به معشوق حقیقی تحقق پیدا می‌کند.

۱. نهج البلاغه، ترجمه فولادوند، خطبه ۲۱۰، ص ۲۷۱.

۲. مفاتیح الغیب، ملاصدرا، ص ۷.

هر چه جز معشوق باقی جمله سوخت
در نگر آخر که بعد از لا چه ماند
شاد باش ای عشق شرکت سوز زفت^۱

عشق آن شعله است که چون بر فروخت
تیغ لا در قتل غیر حق براند
ماند الا الله و باقی جمله رفت

کز پی مردن غنیمت ها رسد
در نگیرد با خدا ای حیلۀ گر
جهد را خوف است از صد گون فساد
تجربه کردند این ره را ثقات^۲

سز موتوا قبل موت این بود
غیر مردن هیچ آفرهنگ دگر
یک عنایت به ز صد گون اجتهاد
و آن عنایت است موقوف ممات

﴿إِنَّمَا هَدَى اللَّهُ الذِّمِّ هَدَانًا لِهَذَا وَمَا كُنَّا لِنَهْتَدِيَ لَوْلَا أَنَّ هَدَانَا اللَّهُ﴾^۳

ستایش خدا را که ما را بدین راه هدایت نمود و اگر خدا ما را رهبری
نمی کرد ما خود هدایت نمی یافتیم.

۱. مثنوی، دفتر پنجم، ص ۴۴۴.

۲. مثنوی، دفتر ششم، ص ۶۴۳.

۳. تفسیر المیزان، ج ۱، ص ۴۳.